نیم‌رخ ۲۰ قسمتی کمی اغراق‌آمیز و استعاره‌محور از سیر و سلوک یک دانشجو در دهه‌های دور و نزدیک

شاهدی بر هنر روایت در ۲۰ قسمت نیم‌رخ، اثر مجتبی رحیمی، با نگاه به زندگی دانشجویی در دهه ۶۰ و ۷۰ و تغییرات اجتماعی و فرهنگی امروز، در قالب مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه و پیوسته، روایتی از دوستی، عشق، تحصیل، مهاجرت و فراموشی ارائه می‌دهد. این مجموعه که در ۲۰ قسمت منتشر شده، با زبانی ساده و گاه شاعرانه، به مسائل نسل‌ها و تغییر ارزش‌ها می‌پردازد. در این گفت‌وگو، نویسنده از انگیزه‌ها، روش کار و چالش‌های روایت در فضای رسانه‌ای امروز سخن می‌گوید.

همشهری ماه: نیم‌رخ، مجموعه داستانی شما در ۲۰ قسمت منتشر شده و هر قسمت داستان مستقلی است اما در کل یک روایت بزرگ‌تر را شکل می‌دهد. چرا این فرم را انتخاب کردید؟

مجتبی رحیمی: ایده اصلی از یادداشت‌هایی شکل گرفت که سال‌ها برای خودم می‌نوشتم درباره دوستانی که در دهه ۶۰ وارد دانشگاه شدند و بعد هر کدام به مسیری رفتند که شاید هیچ‌وقت فکرش را نمی‌کردند. فرم رمان برای من خیلی سنگین است. می‌خواستم بتوانم هر قسمت را جداگانه بخوانید و در عین حال احساس کنید دارید یک چیز بزرگ‌تر را می‌سازید. ۲۰ قسمت هم عدد تصادفی نیست. می‌خواستم یک دوره زمانی را پوشش بدهم، از اوایل دهه ۶۰ تا امروز، و فکر می‌کردم ۲۰ قسمت برای این کار جا دارد.

همشهری ماه: در این مجموعه زمان و مکان خیلی جابه‌جا می‌شود. گاهی در یک قسمت از دهه ۶۰ هستیم و در قسمت بعد در امروز. این تصمیم را چطور گرفتید؟

مجتبی رحیمی: زندگی آدم‌ها خطی نیست. یادم می‌آید یک دوست را در سال اول دانشگاه دیدم و بعد ۱۵ سال بعد او را در یک اتوبوس دیدم و هر دو فکر کردیم چقدر عوض شده‌ایم. می‌خواستم همین حس را بدهم. اگر هر قسمت را به ترتیب بنویسم، خواننده گم می‌شود. اما اگر هر قسمت را مثل یک عکس قدیمی ببیند که کنار عکس دیگر می‌گذارید، خودش می‌تواند مسیر را پیدا کند. البته این کار برای من هم سخت‌تر است. باید مطمئن باشم هر قسمت به تنهایی جذاب است و در عین حال به کل کمک می‌کند.

همشهری ماه: شخصیت‌های اصلی داستان شما دانشجو هستند و بسیاری از آنها در شهرهای کوچک بزرگ شده‌اند. آیا این انتخاب به زندگی خود شما برمی‌گردد؟

مجتبی رحیمی: بخش زیادی از زندگی من در شهرهای کوچک گذشته و دانشگاه برای من یک دنیای کاملاً متفاوت بود. دوستانی داشتم که پدرشان معلم بود، کسانی که اولین بار کتاب می‌دیدند، کسانی که پول کرایه خوابگاه را با زحمت جور می‌کردند. این تفاوت‌ها برای من مهم بود و فکر می‌کردم اگر کسی بتواند آن فضا را بدون قضاوت بنویسد، خیلی از خوانندگان خودش را در آن می‌بیند. البته خودم هم می‌ترسم که مبادا کسی فکر کند دارم از گذشته خودم دفاع می‌کنم. سعی کردم صادق باشم، حتی وقتی راوی چیزی را می‌گوید که من با آن موافق نیستم.

همشهری ماه: در این مجموعه دوستی، عشق، خیانت، مهاجرت و فراموشی کنار هم آمده‌اند. کدام یک برای شما سخت‌تر نوشته شد؟

مجتبی رحیمی: فراموشی. دوستی و عشق را می‌شود با صحنه‌های روشن نشان داد. اما فراموشی یعنی چیزی که دیگر یادت نیست اما هنوز روی تو اثر گذاشته. برای همین مجبور شدم با سکوت، با جا افتادن‌ها، با جمله‌های ناتمام کار کنم. قسمت ۱۴ درباره یک دوست است که اسمش از روی دفترچه حذف می‌شود و راوی هیچ‌وقت نمی‌فهمد چرا. برای من آن قسمت از همه سخت‌تر بود چون باید چیزی را می‌نوشتم که خودم هنوز کامل نمی‌فهمم.

همشهری ماه: زبان شما ساده است اما گاهی به شعر نزدیک می‌شود. این تصمیم آگاهانه بود یا طبیعی پیش آمد؟

مجتبی رحیمی: من شعر زیاد می‌خوانم و فکر می‌کنم جمله کوتاه و تصویری می‌تواند خیلی بیشتر از یک پاراگراف توضیح بدهد. اما نمی‌خواستم داستان را با زبان شعر خراب کنم. پس سعی کردم جمله‌ها روشن باشند اما گاهی یک تصویر وارد شود که خواننده را مکث بدهد. فکر می‌کنم این تعادل برای این کتاب درست بود.

همشهری ماه: در قسمت ۷ یک دانشجو از شهرستان به تهران می‌آید و با هزینه خوابگاه و کرایه اتاق روبه‌رو می‌شود. آیا این قسمت بر اساس خاطره است؟

مجتبی رحیمی: بخشی از آن بله. من هم از شهرستان آمدم و اولین ماه‌ها واقعاً سخت بود. پول کم بود و هر تصمیم کوچک مهم به نظر می‌رسید. اما آن قسمت فقط خاطره نیست. من با دوستانی که الان پزشک، معلم و مهندس هستند صحبت کردم تا مطمئن شوم که تجربه‌ها فقط مال من نیست. آن قسمت از همه بیشتر به من کمک کرد تا بفهمم این کتاب قرار است چه کاری بکند.

همشهری ماه: در قسمت ۱۲ راوی می‌گوید «دیگر نامه نمی‌نویسیم». این جمله برای شما چه معنایی دارد؟

مجتبی رحیمی: نسل ما با نامه بزرگ شد. یعنی صبر می‌کردی، انتظار می‌کشیدی، و وقتی نامه می‌رسید خیلی چیزها برایت معنی داشت. الان همه چیز سریع است و گاهی فکر می‌کنم ما چیزی را از دست داده‌ایم. نمی‌خواستم قضاوت کنم، فقط می‌خواستم ثبت کنم که زمانی چطور بود. این قسمت برای من خیلی شخصی است.

همشهری ماه: نیم‌رخ در ۲۰ قسمت منتشر شده و هنوز ادامه دارد. برنامه شما برای ادامه کار چیست؟

مجتبی رحیمی: دو راه دارم. یا همین ۲۰ قسمت را به صورت کتاب منتشر می‌کنم و بعد فکر می‌کنم دوره بعدی را بنویسم، یا یک رمان کوتاه‌تر با همین شخصیت‌ها می‌نویسم که از جایی دیگر شروع شود. هنوز تصمیم نگرفته‌ام. اما مطمئنم که این مسیر را ادامه می‌دهم، چون هنوز داستان‌هایی هست که دوست دارم بنویسم.

مدیران شهرداری تهران: ۱۰ قسمتی اجرایی بعد از ۲ مناقصه ناتمام، مدل تازه برای پروژه‌های عمرانی

مدیران ارشد شهرداری تهران در ۱۰ قسمت اجرایی بعد از دو مناقصه ناتمام، مدل تازه برای پروژه‌های عمرانی را معرفی کردند

شهردار تهران: ۳۰ درصد پروژه‌های عمرانی سال گذشته به مناقصه رفت و برنده نداشت

مدیران ارشد شهرداری تهران در ۱۰ قسمت اجرایی بعد از دو مناقصه ناتمام، مدل تازه برای پروژه‌های عمرانی را معرفی کردند

مدیران ارشد شهرداری تهران در ۱۰ قسمت اجرایی بعد از دو مناقصه ناتمام، مدل تازه برای پروژه‌های عمرانی را معرفی کردند

شهردار تهران: ۳۰ درصد پروژه‌های عمرانی سال گذشته به مناقصه رفت و برنده نداشت